

فرا تر از خبر

رهبرانی که مثل مجتبی خامنه‌ای غایب شدند

رادیو فردا

۲۰ مرداد/۱۴۰۵



یک زائر محرم در مرز چذابه عکسی از مجتبی خامنه‌ای را با خود حمل می‌کند

انزوآگزینی شیوه‌ای از حکمرانی در حکومت‌های اقتدارگراست که در آن رهبر، به جای حضور فعال در عرصه عمومی، از غیبت، برای حفظ و تقویت قدرت خود استفاده می‌کند.

بنابراین در تاریخ سیاسی جهان، قدرت یک حاکم همواره با توانایی او در ظاهر شدن در عرصه عمومی سنجیده نشده و این قدرت می‌تواند دور از انظار عمومی هم ادامه یابد یا حتی اساساً از آغاز، مثل مورد مجتبی خامنه‌ای در ایران، در غیبت شکل بگیرد.

چرا رهبران حکومت‌های اقتدارگرا غایب می‌شوند؟

برخی حاکمان در نظام‌های استبدادی و اقتدارگرا از غیبت خود برای پنهان‌کاری، کنترل تصویر عمومی خود یا حتی تقویت ابزارهای اعمال قدرت استفاده می‌کند.

یکی از نمونه‌های مطرح در قرن بیستم، ژوزف استالین، رهبر شوروی سابق است که در سال‌های پایانی زندگی‌اش به شدت نسبت به توطئه‌های ترور دچار سوءظن و بدگمانی شده بود.

او به اقامتگاه بیلاقی به شدت محافظت شده خود پناه برده و حضور در انظار عمومی را متوقف کرد. همچنین دایره افرادی را که اجازه دیدن او را داشتند، محدود کرد و هنگام سفر نیز از قطارها و خودروهای زرهی استفاده می‌کرد.

نمونه دیگر، کیم جونگ ایل رهبر پیشین کره شمالی است. او برخلاف پدرش (کیم ایل سونگ) و پسرش (کیم جونگ اون) از تجمعات عمومی پرهیز داشت و نسبتاً منزوی بود. همچنین او به ندرت در ملاعام سخنرانی می‌کرد و صدای او تنها یک بار از رسانه‌های دولتی پخش شد. به دلیل بدگمانی و ترس، از سفر با هواپیما پرهیز می‌کرد و در سفرهای محدود دولتی خود نیز با قطار جابه‌جا می‌شد.

پل پوت، دیکتاتور پیشین کامبوج، نیز در سال‌های نخست حکومت خمرهای سرخ کاملاً مخفی بود و از او به طور مبهم با عنوان «برادر شماره یک» یاد می‌شد. بیشتر مردم کامبوج هیچ اطلاعی نداشتند که او چه کسی است و چگونه کشور را اداره می‌کند.

در واقع، این حاکمان با کمتر ظاهر شدن خود در انظار عمومی شکل خاصی از قدرت را پدید می‌آورند که بیشتر بر کنترل پیام‌ها و تقویت نمادها متکی است؛ به طوری که حاکم حاضر نیست اما مثلاً عکس‌های او همه جا دیده می‌شود. همچنین فاصله می‌تواند نوعی «تقدس» ایجاد کند.

بیشتر در این باره:

رهبری مجتبی خامنه‌ای؛ از سلطنت به ولایت، و از ولایت به «هیچ»



بیماری یا کهولت سن

همچنین در کشورهای فاقد دموکراسی، رهبران اقتدارگرا در هراسند که بیماری یا کهولت سن‌شان بهانه‌ای برای رقبا برای کنار گذاشتن آنان شود. به همین دلیل، بیماری خود را مخفی می‌کنند یا در دوران بیماری در انظار عمومی ظاهر نمی‌شوند تا ناتوانی آنان در اداره کشور کمتر به چشم بیاید.

به عنوان نمونه، حبیب بورقیبه، نخستین رئیس‌جمهور تونس، در سال‌های پایانی حکومتش به شدت پیر و از نظر جسمی و ذهنی ناتوان شده بود. او در بسیاری از موارد قادر به اداره مؤثر کشور نبود و حضورش در عرصه عمومی کاهش یافته بود.

در ۷ نوامبر ۱۹۸۷، نخست‌وزیر وقت، زین‌العابدین بن‌علی، با استناد به گزارش هفت پزشک اعلام کرد که بورقیبه دیگر توانایی انجام وظایف ریاست‌جمهوری را ندارد و قدرت را در دست گرفت.

این اتفاق بعدها به «کودتای پزشکی» معروف شد؛ زیرا برخلاف یک کودتای نظامی کلاسیک، بن‌علی از گواهی پزشکی برای قانونی جلوه دادن برکناری رئیس‌جمهور استفاده کرد. بعداً درباره اعتبار این تشخیص پزشکی نیز اختلاف نظر جدی بوجود آمد.

نمونه دیگر، پل بیا، رئیس‌جمهور کامرون است که اقامت او در خارج از کشور موجب انتقادات و نگرانی‌هایی شده است.

بیا ۹۳ ساله مسن‌ترین رهبر جهان است و از سال ۱۹۸۲ بر این کشور حکومت می‌کند. غیبت‌های مکرر او، که اغلب در فرانسه یا سوئیس به سر می‌برد، احتمال ایجاد خلأ قدرت را مطرح کرده است؛ به‌ویژه آن‌که سمت معاونت ریاست‌جمهوری همچنان خالی است.

دوران طولانی حکومت او با شورش‌های مسلحانه و رکود اقتصادی همراه بوده است و منتقدان می‌گویند کامرون در حالت «خلبان خودکار» اداره می‌شود و بسیاری از شهروندان از رهبری بیا سرخورده شده‌اند.

بیشتر در این باره:

مجتبی خامنه‌ای؛ رهبر نادیده حکومت ایران در سایه پدر
کشته شده‌اش



رهبران گروه‌های افراطی که به غیبت متوسل شدند

اما این پنهان کاری مختص رهبران کشورها و دولت‌ها نبوده، بلکه رهبران گروه‌های افراطی نیز که در تلاش برای کسب قدرت هستند گاهی از این شیوه استفاده می‌کنند.

نمونه معروف تاریخ معاصر، اسامه بن‌لادن است. او رئیس یک دولت نبود، اما رهبری‌اش بر گروه تروریستی القاعده نمونه‌ای از رهبری مخفیانه بود. او سال‌ها در مکان‌های مخفی بود و تقریباً هیچ حضور عمومی نداشت.

هبت‌الله آخوندزاده، رهبر کنونی طالبان افغانستان، نیز جزو این دسته است. او نه از پایتخت کشور، یعنی کابل، بلکه از مقر خود در قندهار و از طریق فرمان‌های کتبی، فایل‌های صوتی و دیدارهای رودررو با گروهی بسیار گزینش‌شده از وفاداران حکومت می‌کند.

نمونه مجتبی خامنه‌ای در ایران

در ایران نیز اکنون غیبت مجتبی خامنه‌ای، رهبر سوم جمهوری اسلامی، موجب شده است که نام او در کنار این رهبران قرار گیرد. اما مورد او کمی پیچیده‌تر است، به طوری که شهروندان و حتی ناظران نمی‌دانند که دقیقاً علت این غیبت چیست.

در ماه‌های اخیر گزارش‌هایی از زخمی شدن مجتبی خامنه‌ای در حملات آمریکا و اسرائیل به ایران منتشر شده، اما در مواقعی، حاکمان با این که دچار بیماری نبوده‌اند ترجیح داده‌اند که از پنهان شدن به عنوان یک تاکتیک استفاده کنند تا اطلاعات درباره خود را کنترل کنند.

تقی رحمانی، تحلیلگر سیاسی، درباره این که آیا غیبت مجتبی خامنه‌ای ناشی از جبر شرایط است یا نوعی تاکتیک به شمار می‌رود، به رادیو فردا می‌گوید: «به نظر من وضعیتی که بوجود آمده، این است که مجتبی خامنه‌ای زنده است و تا حدودی هم زیر نظر نظامیان قرار دارد. نظامیان هم او را قبول دارند و دیدگاه‌هایشان به هم نزدیک است».

او افزود: «این که مجتبی ظاهر نمی‌شود، به خاطر وضعیت ظاهری اوست؛ یعنی به شدت آسیب دیده و این وضعیت باعث شده که مقبولیت لازم برای دیده شدن در جامعه را نداشته باشد. دوم، ترس از ترور اسرائیل است. این دو عامل باعث شده‌اند که این وضعیت بوجود بیاید. یعنی مسئله، یک امر تاکتیکی نیست؛ یک امر واقعی است».

آقای رحمانی می‌گوید که ادامه چنین وضعیتی چندان ممکن نیست. او تاکید می‌کند: «اگر این غیبت خیلی طولانی شود، طبیعتاً موضع ایشان را بسیار تضعیف می‌کند و در این شرایط، دوروبری‌ها و کسانی که اطرافش هستند، عملاً همه‌کاره می‌شوند».

حبیب حسینی فرد، تحلیلگر سیاسی، نیز این نظر را تایید می‌کند و به رادیو فردا می‌گوید: «ادامه این وضعیت برای نظام جمهوری اسلامی، مادامی که همین سیستم و ساختار بخواد ادامه پیدا کند، بیش از پیش دشوار می‌شود».

او افزود: «شاید تا پنج، شش ماه گذشته توانسته باشند، به اعتبار شرایط جنگی، مسائل امنیتی و حرف‌هایی از این دست، دست‌کم بخش‌هایی از مردم را راضی نگه دارند که خامنه‌ای حضور پیدا نکند؛ اما بعید است بتوانند با چنین شیوه‌ها و تدابیری، این وضعیت استثنایی در حکمرانی کشور را ادامه دهند».

غیبت رهبر، یک قمار خطرناک

در حکومت‌های دیکتاتوری، قدرت از طریق حزب حاکم یا نهادهای انتصابی و حکومتی مختلف اعمال می‌شود و غیبت رهبر لزوماً به فروپاشی نظام منجر نمی‌شود و حکومت دارای دستگاه سیاسی، نظامی و اداری می‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد.

اما شخص دیکتاتور نقش اصلی و محوری را دارد و غیبت او می‌تواند منجر به ضعف و شکنندگی ساختار قدرت شود به ویژه زمانی که روند جانشینی رهبر چندان مشخص و شفاف نباشد.

به عنوان نمونه، اکنون در ایران غیبت مجتبی خامنه‌ای نیز این پرسش را مطرح کرده که آیا پنهان ماندن رهبر جمهوری اسلامی می‌تواند به تداوم قدرت او منجر شود یا وضعیت دیگری را رقم خواهد زد؟

تقی رحمانی می‌گوید: «البته این موضوع به شرایط و توانایی‌های خود او بستگی دارد و الان نمی‌شود با قطعیت درباره آن پاسخ داد. چون آنچه در حال حاضر می‌بینیم این است که اصلاح‌طلب‌ها و بسیاری از نیروهای پیرامونی را کنار زده و عملاً فقط آن لایه نظامی اطراف او باقی مانده است».

او می‌افزاید: «این نظامیان باید به او وفادار باشند؛ اگر این وفاداری وجود نداشته باشد، طبیعتاً بر موقعیت او تأثیر می‌گذارد و در ادامه می‌تواند اراده و توانایی او برای اعمال قدرت را تضعیف کند».

رهبری پنهان در نهایت بر یک تناقض استوار است: حاکم تلاش می‌کند کمتر دیده شود تا دشوارتر بتوان با او مخالفت یا مقابله کرد. اما ابهامی که از رهبر محافظت می‌کند، برای او قابل اطمینان نیست و ممکن است سرانجام خود را در بن‌بست انزوا بیابد.

در واقع، «رهبری در سایه» که از مخوف‌ترین شکل‌های قدرت برای مردم یک کشور است، می‌تواند سرانجام خود رهبر را به قعر تاریکی فرو برد و پایان قدرتش را رقم زند.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

بایگانی

ایران